


نوع مقاله: ترویجی

حکومت مطلوب در عصر غیبت

کچھ عادل فرساددوست / سطح چهار تخصصی کلام تطبیقی مؤسسہ امام صادق

adel.farsaddoost@gmail.com

zare1397@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-4073-575X

رحمان زارع / دکترای مدرسی معارف گرایش مبانی نظری اسلام دانشگاه قم

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

چکیده

حکومت مطلوب در عصر غیبت حکومتی است که مزایای انواع حکومت‌های موجود را داشته و از عیوب آنها مبرا باشد. هدف از این پژوهش بررسی انواع حکومت‌ها و اثبات بهترین نوع آن در زمان غیبت می‌باشد. برای این منظور با روش صرفاً عقلی، انواع حکومت‌های موجود که عبارت‌اند از: دموکراسی، پادشاهی و اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند و با ادله عقلی اثبات می‌شود جمهوری اسلامی تمام مزایای حکومت دموکراسی و پادشاهی را دارد، اما معایب آنها را ندارد. البته علت ناکارآمدی جمهوری اسلامی در برخی زمینه‌ها از جمله «اقتصادی و معیشت» نه به خاطر ساختار، بلکه به خاطر عدم اطاعت برخی خواص و عده‌ای از مردم از «ولی جامعه» می‌باشد؛ خواص با کوتاهی در بصیرت‌افزایی مردم، و مردم با رأی بدون تحقیق به مسئولین نالایق و ناکارآمد.

کلیدواژه‌ها: حکومت اسلامی، دموکراسی، پادشاهی، مردم‌سالاری دینی، نظام اسلامی.

مقدمه

برای نشان دادن اهمیت این همراهی، ابتدا اثبات می‌شود عدم آمادگی مردم، علت اصلی استمرار غیبت امام زمان علیه السلام بوده و معنای انتظار فرج، نشستن و دعا کردن نمی‌باشد، بلکه برای اینکه ظهور محقق شود، تشکیل یک حکومت مقتدر توسط مردم - قبل از ظهور - ضروری است. سپس انواع حکومت‌ها به نحو مختصر بررسی و در پایان حقانیت جمهوری اسلامی اثبات می‌شود.

تعریف اصطلاحات

حکومت دموکراسی: حکومتی که مشروعیت آن بر اساس خواست اکثریت می‌باشد. و امور کشور بر اساس نظر نمایندگان مردم اداره می‌شود.

حکوت پادشاهی: حکومتی که یک نفر خود را با زور بر مردم تحمیل می‌کند و کشور بر اساس نظر و رأی او اداره می‌شود.

حکومت اسلامی: حکومتی که مشروعیت آن از طرف خداست و حضور مردم موجب مقبولیت حکومت نه مشروعیت آن می‌باشد و امور کشور بر اساس قوانین الهی اداره می‌شود.

کلیات

علت استمرار عصر غیبت

ائمۀ هدی علیه السلام هرکدام به نحوی مردم را برای دوران غیبت امام زمان علیه السلام آماده می‌کردند. امام حسن عسگری علیه السلام از پشت پرده با شیعیان سخن می‌گفت (مسعودی، ۱۳۶۲، ص ۵۰۷). علت چنین رفتاری از امام علیه السلام، آماده کردن شیعیان برای غیبت امام زمان علیه السلام بود. حضرت مهدی علیه السلام پس از نماز بر پدر بزرگوارشان و رد ادعای جعفر کذاب، از نظرها پنهان شدند. و از این زمان بود که دوران غیبت صغری شروع شد. در روایات ادله مختلفی بر غیبت امام زمان علیه السلام آورده شده؛ مثل حفظ جان امام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۹۰)، نبودن بیعت احدی بر عهده حضرت (همان، ص ۹۲)، و... اما می‌توان گفت علت اصلی استمرار غیبت، فراهم نبودن زمینه ظهور و آماده نبودن مردم می‌باشد.

شیخ طوسی هنگام بحث از حکمت غیبت می‌نویسد: قطعاً می‌توان گفت علت غیبت امام، ترس او از کشته شدن و باز داشتن آن حضرت از تصرف در اموری است که تصرف و تدبیر در آنها به ایشان

حکومت مطلوب در عصر غیبت حکومتی است که مزایای انواع حکومت‌های موجود را داشته و از عیوب آنها مبرا باشد. تا جایی که بررسی شد تاکنون با این عنوان کتاب یا مقاله‌ای تألیف نشده است، بلکه یک مقاله با عنوان «حکومت اسلامی در عصر انتظار» از «محمدصادق مزینانی» نوشته شده (مزینانی، ۱۳۷۴) که به بحث حکومت اسلامی و انتظار فرج و ارتباط آن دو با یکدیگر و اثبات ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت می‌پردازد. اهمیت این پژوهش از این جهت است که بر اساس تبلیغات بسیار گسترده و منفی در فضای مجازی و شبکه‌های معاند ماهواره‌ای، برخی از مردم، نظام جمهوری اسلامی را ناکارآمد تلقی می‌کنند. و مشکلات کشور را ناشی از ساختار حکومت می‌دانند. برخی نیز با مقایسه حکومت ایران با حکومت‌های دموکراسی در اروپا یا پادشاهی در برخی از کشورهای عربی، مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور و فساد و اختلاس برخی از مسئولین را ناشی از نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه می‌دانند. درحالی که می‌توان اثبات کرد جمهوری اسلامی یکی از موفق‌ترین حکومت‌های جهان می‌باشد که خدمات بسیاری را در زمینه‌های مختلف به مردم خود داشته است؛ بسیاری از کسانی که می‌خواهند از انقلاب اسلامی دفاع کنند، خدمات کثیری را که انقلاب به مردم نسبت به زمان پهلوی داشته است، برمی‌شمارند و این‌گونه برتری جمهوری اسلامی را بر حکومت پهلوی اثبات می‌کنند. این‌گونه دفاع از انقلاب لازم، اما کافی نخواهد بود و این شبهه را دفع نمی‌کند که اگر حکومت پهلوی هم ادامه پیدا می‌کرد، این خدمات صورت می‌گرفت. لذا در این پژوهش برای اثبات اینکه جمهوری اسلامی نه تنها بر حکومت پهلوی، بلکه بر حکومت‌های دموکراسی اروپایی و پادشاهی عربی برتری دارد، ساختار این حکومت‌ها را از منظر عقلی و منطقی مورد مقایسه قرار می‌دهد و معایب و مزایای هرکدام را بررسی می‌کند. در این صورت خواننده خود اذعان خواهد کرد بهترین ساختار را حکومت اسلامی دارد که در زمان غیبت، به صورت نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه می‌باشد. البته زمانی حکومت اسلامی به اهداف خود می‌رسد که خواص جامعه و مردم از امام جامعه اطاعت محض داشته باشند و الا اگر حکومت، اسلامی و حاکم هم، علی علیه السلام باشد تا مردم او را یاری نکنند (مقبولیت)، حکومت در اهداف خود موفق نخواهد بود. لذا

می‌توان ایشان را حمایت کرد؛ زیرا حکومت هم بودجه دارد، هم سلاح و ادوات جنگی، و هم نیروی منسجم نظامی.

بنابراین با توجه به اینکه جان امام علیه السلام در مقابل دشمنان سرسختشان باید از طریق اسباب عادی حفظ شود؛ تشکیل یک حکومت مقتدر و قوی قبل از ظهور ضروری است. و معنای انتظار فرج - که از مهم‌ترین وظیفه شیعیان در زمان غیبت می‌باشد - نیز همین است که شرایط را برای ظهور امام علیه السلام فراهم کنند و بهترین شرایط برای ظهور امام، تشکیل یک حکومت مقتدر در راستای اهداف امام زمان علیه السلام می‌باشد.

بررسی انواع حکومت‌ها

لازم است انواع حکومت‌های دنیا به‌طور کلی مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود بهترین نوع حکومت قبل از ظهور چه حکومتی می‌باشد. حکومت به حصر عقلی به الهی و غیرالهی تقسیم می‌شود و حکومت غیرالهی نیز یا فردی است یا مردمی؛ فردی یعنی یک نفر بر مردم حکومت می‌کند و حکومت با رأی و نظر او اداره می‌شود که به آن «پادشاهی» یا «دیکتاتوری» می‌گویند و مردمی یعنی حکومت با رأی و نظر مردم اداره می‌شود که به آن «دموکراسی» می‌گویند. بنابراین حکومت‌ها را به‌طور کلی به سه قسم می‌توان تقسیم کرد: (برخی نوع چهارمی را هم برشمرده‌اند و آن حکومت گروهی (طبقاتی) می‌باشد، یعنی حکومت گروه یا طبقه خاص بر مردم. که البته این نوع را می‌توان زیرشاخه فردی یا دموکراسی به حساب آورد؛ زیرا آن عده یا با قهر و غلبه حکومت را به‌دست می‌گیرند که می‌توان آن را دیکتاتوری نامید و زیرمجموعه فردی به حساب آورد و یا مردم آنها را روی کار می‌آورند که می‌توان آن را زیرمجموعه دموکراسی دانست).

هرکدام از سه قسم حکومت‌های دموکراسی، پادشاهی و الهی می‌تواند زیرمجموعه‌های زیادی داشته باشد که نیازی به بررسی همه آنها نمی‌باشد؛ زیرا با بررسی این سه قسم زیرشاخه‌هایشان هم مشخص می‌شود علاوه بر اینکه بررسی آنها خارج از گنجایش مقاله می‌باشد.

حکومت دموکراسی

دموکراسی حکومت مردم بر مردم است؛ یعنی حق اعمال حاکمیت از مردم است. «جان لاک» از جمله نظریه‌پردازان این نوع حکومت،

واگذار شده است. پس تا وقتی که شرایط برای امام - برای انجام وظایفشان - فراهم نباشد، لزوم قیام به امامت از ایشان ساقط می‌باشد و تا موقعی که امام بر جان خود بیمناک است، واجب است تا غائبانه زندگی کند و از دیده‌ها پنهان باشد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۰).

شیخ طوسی در ادامه بیان می‌کند فی‌الجمله بر خداوند متعال لازم است حضرت را به نحوی تقویت کند تا برای او امکان قیام فراهم شود. این کار به‌وسیله فرشتگان و انسان‌ها امکان‌پذیر می‌باشد، اما وقتی حق تعالی به‌وسیله فرشتگان انجام نمی‌دهد نشان می‌دهد که مفسده‌ای در آن هست. بنابراین واجب است به‌وسیله انسان‌ها انجام شود؛ در نتیجه اگر انسان‌ها خود را برای انجام این کار آماده نکردند، محرومیت از برکات وجود امام، به خود آنها برمی‌گردد نه به حق تعالی (همان، ص ۹۲). «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر وعدمه منا» (حلی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲). وجود امام لطفی از خدا بر بندگان می‌باشد و اینکه امام بتواند وظایفشان را انجام بدهند، لطف دیگری می‌باشد، اما اینکه در حال حاضر امام غائب هستند و نمی‌توانند وظایفشان را انجام دهند به‌خاطر (کوتاهی‌های) ماست.

از این بیانات به‌خوبی فهمیده می‌شود که علت اصلی استمرار غیبت امام زمان علیه السلام کوتاهی مردم در فراهم کردن شرایط ظهور امام زمان علیه السلام می‌باشد.

ضرورت حکومت در عصر غیبت

خداوند متعال اراده نکرده جان حضرت حجت علیه السلام را با معجزه حفظ کند؛ زیرا اگر قرار بر معجزه بود، دلیلی وجود نداشت که امام غائب شوند، بلکه می‌ماندند و وظایف امامت را انجام می‌دادند و خدا هم ایشان را حفظ می‌کرد؛ همچنین خلاف حکمت الهی است که حضرت علیه السلام جهان را با معجزه پر از عدل و داد کنند؛ زیرا این کار موجب جبری شدن ایمان‌ها خواهد شد و ایمان جبری ارزشی ندارد. خداوند متعال در جاهای مختلفی از قرآن به این حقیقت اشاره کرده است: *فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ* (انعام: ۱۴۹)؛ «اگر خدا می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد» (اما این کار خلاف حکمت می‌باشد).

پس موقعی ظهور اتفاق می‌افتد که عده‌ای از مردم حاضر باشند در حمایت از امام زمان علیه السلام تا پای جان بایستند و حضرت را در رسیدن به اهدافش یاری کنند، که بهترین حالت این است که آن عده حکومتی تشکیل بدهند؛ به‌خاطر اینکه با تشکیل حکومت بهتر

اما دارای اشکالات زیادی است که مانع می‌شود از اینکه مزایایش در مرحله عمل به وقوع بپیوندد. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عدم تحصیل رضایت همگانی

طبق نظریه جان لاک - که این نوع حکومت را پیشنهاد می‌کند - همه انسان‌ها به‌طور طبیعی آزادند و هیچ‌کس را نمی‌توان بدون اینکه خودش بخواهد تحت اراده و تسلط کس دیگر درآورد؛ بنابراین چرا گفته می‌شود در دموکراسی، حکومتی تشکیل می‌شود که اکثریت به نمایندگی از مردم، جامعه را اداره می‌کنند؟ پس نظر اقلیت چه می‌شود؟ اگر اقلیت این نوع حکومت را نپسندد و مثلاً انواع دیگری از حکومت - مثل حکومت پادشاهی یا حکومت الهی - را قبول داشته باشند به چه دلیل باید از اکثریت تبعیت کنند؟ مگر طبق نگاه اومانستی - که مبنای این حکومت است - این‌طور نیست که هیچ‌کس نمی‌تواند بر هیچ انسانی چیزی را تحمیل کند، مگر اینکه از ناحیه او اذن داشته باشد؟

با اقلیتی که مخالف این نوع حکومت هستند چه باید کرد؟ دو راه می‌توان در نظر گرفت که هر دو غیرمنطقی و دارای تبعات منفی زیادی است:

الف) به اقلیت اجازه داده شود تا هیچ یک از قوانین این حکومت را - که قبول ندارند - رعایت نکنند.

به اقلیت گفته شود که اگر این نوع حکومت را قبول ندارند، از این سرزمین بروند به جایی که حکومتش را قبول داشته باشند.

لذا «لن دو بنوا» - از منتقدین این نوع از حکومت - بیان می‌کند یک قانون زمانی دموکراتیک خواهد بود که همه شهروندان یک جامعه با آن موافقت کرده باشند. لازمه یک دموکراسی حقیقی جلب رضایت همه مردم است نه اکثریت. فقط در این صورت است که اختیار از کسی سلب نمی‌شود و به آزادی همه احترام گذاشته شده است (دوبنوا، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

عدم مشروعیت و حقانیت رأی اکثریت

اشکال دیگری که به دموکراسی وارد می‌باشد، این است که رأی اکثریت موجب مشروعیت و حقانیت نمی‌شود. به عنوان مثال؛ آیا همجنس‌گرایی که در برخی از کشورهای اروپایی توسط اکثریت نمایندگان مجلس، تصویب شد، مشروعیت دارد؟ (منظور از مشروعیت

معتقد است از آنجاکه انسان‌ها به‌طور طبیعی آزاد، برابر و مستقل هستند، هیچ‌کس را نمی‌توان از حقوق طبیعی محروم ساخت و بدون خواست و میلش تحت سلطه دیگری قرار داد. تنها راهی که فرد می‌تواند خود را از آزادی طبیعی محروم کند و تحت قاعده پیمان‌های جامعه مدنی قرار گیرد، این است که برای زندگی در یک اجتماع راحت، امن و صلح آمیز، با انسان‌های دیگر به توافق برسد و با آنها متحد شود. بدین صورت عده‌ای از افراد، با توافق خود، یک حکومتی به‌وجود می‌آورند که در آن اکثریت، به نمایندگی از همه مردم، اداره جامعه را به‌دست می‌گیرند (جان لاک، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹). منشأ مشروعیت در این نوع حکومت، خواست و رضایت اکثریت شهروندان جامعه است. این نظریه با بیان‌های مختلفی از قول اندیشمندان حوزه فلسفه سیاست مطرح گردیده و به شکل‌های مختلفی از آن دفاع شده است، اما یک نکته مهم در این نظریه وجود دارد و آن اینکه روح حاکم بر این نظریه، در تمام قرائت‌های آن، نگاه اومانستی و انسان محورانه است؛ به این معنا که حق قانون‌گذاری و نیز تعیین مجریان قانون، تنها و تنها، مختص به خود انسان‌هاست و هیچ عنصری فراتر یا در عرض انسان وجود ندارد که بتواند در این دو حیطه، چیزی را بر انسان تحمیل کند (شبان‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۷۳).

مزایای حکومت دموکراسی

مزایای ذیل را می‌توان برای حکومت دموکراسی برشمرد:

نفی دیکتاتوری؛ زیرا مسئولین بر اساس رأی و نظر مردم انتخاب می‌شوند.

نظارت مردمی؛ از آن جایی که مسئولین در حکومت دموکراسی توسط رأی مردم انتخاب می‌شوند، در صورتی که برای منافع مردم کاری انجام ندهند و نظر مردم را به خود جلب نکنند، در دوره‌های بعدی انتخاب نخواهند شد. این امر می‌تواند عامل مهمی برای عملکرد مسئولین در راستای منافع ملی باشد.

تداول قدرت و نفی موروثی بودن حکومت.

فساد کمتر؛ زیرا مردم مسئولین فاسد را انتخاب نخواهند کرد و در صورت فاسد شدن، آنها را کنار خواهند گذاشت.

اشکالات وارده به حکومت دموکراسی

این نوع حکومت هرچند که در ظاهر دارای مزایای مهمی می‌باشد،

است نه اکثریت. علاوه بر اینکه در انتخابات مجلس گاهی یک نماینده با چند صد هزار رأی وارد مجلس می‌شود. لذا «آن دوینوا» بیان می‌کند نمایندگی اکثریت، توهمی بیش نیست؛ زیرا حکومت همیشه کار یک اقلیت است (دوینوا، ۱۶۵).

عدم ثبات حکومت

اگر واقعاً قرار باشد نظر اکثریت محترم شمرده شود، باید به محض تغییر نسل، مجدداً خواست و نظر اکثریت در قبال نظام سیاسی موجود ستجیده شود. و همچنین اگر پس از مدتی نظر مردم عوض شد و این نوع حکومت را نپسندیدند، باید نظام حکومت عوض شود که این موجب بی‌ثباتی حکومت خواهد شد. لذا در هیچ یک از کشورهای مدعی دموکراسی این‌گونه نیست و در واقع نظر خود را به نسل‌های بعدی و همان مردم - در صورت اعتراض - تحمیل می‌کنند.

منجر شدن دموکراسی به دیکتاتوری مخفی

کسانی که به وسیله رأی مردم روی کار می‌آیند - اعم از نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور و... - می‌توانند قوانین و بودجه کشور را به نفع خود یا حزب خود تصویب و وضع کنند و اگر هم مردم اعتراض کردند، آنها را به وسیله نیروهای نظامی که در اختیار دارند، سرکوب کنند؛ چنانچه در فرانسه و آمریکا و... این امر اتفاق افتاد. یا می‌توانند قوانین انتخابات بعدی را به نحوی وضع کنند یا انتخابات بعدی را به نحوی مهندسی کنند که کاندیداهای مورد نظر خود از صندوق بیرون آیند؛ یعنی در واقع دموکراسی منجر به دیکتاتوری مخفی می‌شود.

فریب مردم

وقتی قرار باشد صاحب‌منصبان حکومتی با رأی مردم به قدرت برسند؛ کسانی که حب جاه و مقام دارند و می‌خواهند به قدرت و ثروت برسند، به راحتی می‌توانند با انواع ترفندهای مختلف مثل وعده و وعیدهای دروغ، خریدن رأی و... مردم را فریب دهند و به قدرت برسند. (برخی از این اشکالات را به جمهوری اسلامی هم می‌توان داشت، اما باید دقت داشت که در نظام سیاسی مبتنی بر ولی فقیه اگر مردم از سخنان رهبری که همیشه قبل از انتخابات ملاک‌های کاندیدای اصلح را بیان می‌کند و تذکر می‌دهد، تبعیت کنند به این آسیب‌ها دچار نمی‌شوند).

اشکالات دیگری هم به دموکراسی وارد است که به خاطر عدم اطاله کلام از بیان آن خودداری می‌شود.

در حوزه سیاست حقانیت می‌باشد؛ بدین معنا که منشأ بایدها و نبایدهایی که حکومت و حاکم صادر می‌کنند، از کجاست؟ در مقابل این مفهوم واژه «غصب» به کار می‌رود (شبان‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۷۲). آیا اکثریتی که بر خلاف فرمایش پیامبر گرامی اسلام ﷺ در غدیر خم، با/بابکر بیعت کردند و امام علیؑ را ۲۵ سال خانه‌نشین کردند، مشروعیت داشتند؟

آیا اکثریتی که در روز عاشورا علیه امام حسینؑ بودند و ایشان را به شهادت رساندند، بر راه درست بودند؟

لذا خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: وَإِنْ تَطَعُ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (انعام: ۱۱۶): «اگر از اکثریت اهل زمین تبعیت کنی حتماً تو را از راه خدا گمراه می‌کنند»؛ یعنی اگر ملاک در عمل برای کسی «نظر اکثریت» باشد، حتماً گمراه می‌شود؛ بله، ممکن است در مسئله‌ای که حق است اکثریت توافق داشته باشند؛ اینجا تبعیت از اکثریت به خاطر اینکه حق با آنهاست، اشکالی ندارد، اما صرف اکثریت نمی‌تواند ملاک حقانیت باشد.

علامه مصباح در این زمینه می‌فرماید: «ممکن است همه مردم قانون ناحقی را بپذیرند یا هیچ‌کس قانون حقی را نپذیرد... پس مقبولیت و مشروعیت یکی نیستند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۹۰).

عدم تحصیل رضایت اکثریت

بر فرض که از ضعف‌های اساسی دموکراسی چشم‌پوشی کنیم، و رأی اکثریت را ملاک عمل قرار دهیم و نظر اقلیت را کنار بگذاریم؛ یک اشکال مبنایی مهم به آن وارد است و آن اینکه غالباً نمی‌توان رأی اکثریت را به دست آورد و در واقع توهم اکثریت است نه اکثریت واقعی؛ با یک مثال این اشکال توضیح داده می‌شود:

فرض کنید در یک کشوری واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۰۰ میلیون نفر باشند. در همه کشورهای عدّه زیادی از مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند و به طور معمول با نظر خوشبینانه ۶۰ الی ۷۰ درصد واجدین شرایط، شرکت می‌کنند. طبق قانون اگر «پنجاه درصد به علاوه یک رأی» به کاندیدی رأی داده شود، او به عنوان کاندیدای مردم انتخاب می‌شود. حال در کشور مذکور، اگر ۶۰ درصد مردم شرکت کنند؛ یعنی ۶۰ میلیون نفر. از این تعداد اگر ۳۱ میلیون نفر به کاندیدایی رأی دهند او می‌شود رئیس‌جمهور برای کشوری که فقط ۱۰۰ میلیون نفر واجدین شرایط رأی دارد. درحالی که ۶۹ میلیون نفر از واجدین شرایط به او رأی ندادند، یعنی در واقع او نماینده اقلیت

اشکال دیگر اینکه اگر بر فرض پادشاه انسان متعالی و وارسته‌ای باشد و آن خصوصیات را دارا باشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که این‌گونه بماند؛ زیرا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَى (علق: ۶ و ۷)؛ «انسان وقتی خود را بی‌نیاز ببیند حتماً طغیان خواهد کرد». کسی که تمام امکانات کشور اعم از قدرت و ثروت در اختیار او باشد، احتمال اینکه طغیان کند، بسیار زیاد خواهد بود. (این اشکال به ولی فقیه وارد نیست؛ زیرا در ادامه خواهد آمد که یکی از شروط ولی فقیه عدالت است و منظور از عدالت، عدم ارتکاب گناه کبیره و عدم اصرار بر گناه صغیره است، یعنی ولی فقیه با یک گناه کبیره ولایت‌اش را از دست خواهد داد و مجلس خبرگان برای همین منظور دائماً بر اعمال و رفتار او نظارت می‌کنند). لذا در طول تاریخ شاید به اندازه انگلستان یک دست، پادشاهی که این‌گونه باشد و این‌گونه بماند وجود نداشته است. علت عقب‌ماندگی در کشور ما نیز به‌خاطر پادشاهان فاسق و فاجر بوده است.

برای ملموس شدن معایب این نوع حکومت، مختصری از وقایعی که در یکی دو قرن گذشته در ایران رخ داده است، بیان خواهد شد.

در دوران قاجار، طی قراردادهای پاریس و ترکمنچای و گلستان، وسعت زیادی از مساحت کشور کاسته شد. در این قراردادها افغانستان، گرجستان، ارمنستان و بخشی از ترکیه از ایران جدا شد (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳، ص ۲۸۲-۲۸۶). در زمان پهلوی نیز محمدرضا شاه، در سال ۱۳۵۰ با افتخار، بحرین را - که سرشار از نفت می‌باشد - از کشور جدا کرد.

در جنگ جهانی اول (زمان احمد شاه قاجار) با اینکه ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود، روس و انگلیس وارد ایران شدند و کشور را اشغال کردند. قحطی و بیماری باعث شده بود مردم روز به روز در کوچه و خیابان بمیرند. اینها باعث شد که در مدت دو سال ۹ میلیون نفر از جمعیت حدود ۲۰ میلیونی ایران از بین بروند (محمدقلی مجد، ۱۳۸۶، فصل دوم).

با تصویب قانون کاپیتولاسیون، بالاترین مقام مملکت در مقابل یک سگ آمریکایی قرار گرفت (مدنی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۰). امیر هوشنگ آریانپور - معاون فرماندهی نیروی دریایی پهلوی - می‌گوید سربازان آمریکایی عصرها در خیابان‌های تهران قدم می‌زدند و از هر زنی که خوششان می‌آمد، او را با زور با خود می‌بردند؛ حتی اگر کنار

در این قسمت لازم است توضیح مختصری درباره مردم‌سالاری اسلامی که مبنای نظام جمهوری اسلامی ایران است، ارائه شود تا نقش بی‌بدیل مردم در سیاست اسلامی تبیین شود.

مشروعیت در حکومت دینی (جمهوری اسلامی) وابسته به حکم خداست و حاکمیت حق خداوند است نه مردم، اما نقش صفر درصدی مردم در مشروعیت حکومت در بحث عینیت‌بخشی و اجرای قوانین الهی، به عنوان مشروعیت، به معنای فقدان نقش مردم و عدم توجه به حقوق آنها نیست. در تحقق حکومت پیامبر، نقش اساسی از آن مردم بود، یعنی آن حضرت با یک نیروی قهری حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکردند، بلکه خود مسلمانان از جان و دل با پیامبر بیعت کرده و با رغبت حکومت نبوی را پذیرفتند و کمک‌های بی‌دریغ مردم بود که باعث تحکیم پایه‌های حکومت پیامبر گشت. خودداری ۲۵ ساله امام علی علیه السلام از دخالت در امور اجتماعی نیز به این دلیل بود که مردم با ایشان بیعت نکردند و ایشان با توسل به زور حکومت خویش را تحمیل نکردند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱).

رضایت، بیعت و رأی مردمان، در عینیت بخشیدن و تحقق کارآمدی حکومت اسلامی دخیل است. هیچ‌گونه تحمیلی بر مردم وجود ندارد؛ زیرا توسل به زور برای دستیابی به حکومت روا نیست. آرای مردم در ایجاد پویایی و پایایی حکومت اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نقشی بی‌بدیل و اساسی دارد (همان، ص ۲۴).

حکومت پادشاهی

در حکومت پادشاهی اگر شخص شاه انسان متعالی، وارسته، مؤمن و با تقوا، عادل، بصیر، مدیر و مدبر، شجاع و دلسوز مردم باشد، فواید زیادی عائد مردم می‌شود و برای کشور پیشرفت‌های چشمگیری به‌وجود می‌آید. و مردم به رفاه دنیوی و سعادت اخروی می‌رسند، اما اگر پادشاه نه تنها این خصوصیات را نداشته باشد، بلکه فردی خودخواه و خودپرست باشد و فقط به منافع خود بماندیشد، در این صورت پادشاه تمام منابع کشور را در راستای منافع خود و اطرافیان و وابستگان خود قرار خواهد داد و مردم نه تنها هیچ بهره‌ای از حکومت نخواهند برد، بلکه دچار ضررهای جبران‌ناپذیر دنیوی و اخروی خواهند شد و کشور هیچ پیشرفتی نخواهد داشت، بلکه به قهقرا خواهد رفت.

که گاه خودشان نیز جزء سهامداران عمده آنها بودند، حق عمل‌های کلانی به چنگ می‌آوردند، ولی گرفتاری اصلی در این قضیه فقط مسئله رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنت نبود، بلکه اقدامات آنها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به صورت منبعی درآمد بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند (فریدون هویدا، ۱۳۸۸، ص ۹۰).

حکومت اسلامی

در ابتدا حکومت اسلامی به نحو مختصر بررسی می‌شود.

حکومت اسلامی دارای چهار مؤلفه می‌باشد:

حاکم؛

قوانین؛

کارگزاران (مسئولین)؛

مردم.

حاکم در حکومت اسلامی امام معصوم است که علم لدنی (علم الهی) دارد و دلسوزترین فرد به مردم می‌باشد. و مستقیماً از جانب حق تعالی منصوب می‌شود. قوانین هم بر اساس دستورات اسلام وضع می‌شود، به گونه‌ای که سعادت دنیا و آخرت مردم تأمین شود؛ زیرا قانون‌گذار کسی است که خود از وضع قوانین نفعی نمی‌برد و از گذشته و آینده انسان‌ها خبر دارد و مهربان‌ترین کس به مردم می‌باشد. لذا قوانین، بهترین قوانین است و به گونه‌ای وضع می‌شود که انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی برسند.

کارگزاران در حکومت اسلامی مستقیماً با حکم امام منصوب می‌شوند. حضور مردم در حکومت اسلامی موجب مقبولیت حکومت است نه مشروعیت. مشروعیت حکومت از جانب خداست؛ زیرا خداوند متعال خالق، مالک، مدبر و رازق انسان‌هاست؛ بنابراین او باید نوع حکومت را تعیین کند.

بنابراین با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت بهترین نوع حکومت، حکومت اسلامی است، که هیچ‌یک از اشکالات حکومت دموکراسی و پادشاهی را ندارد.

اما نکته مهم این است که حکومت اسلامی در صورتی به اهدافش می‌رسد و می‌تواند مردم را به سعادت دنیوی و اخروی برساند که خواص جامعه و مردم از حاکم - که امام معصوم می‌باشد

همسرش بود (ولی ابرقوئی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۶). این در حالی بود که به آنان حق توحش نیز داده می‌شد.

روزنامه واشنگتن پست در ۸ مه ۱۹۷۷ نوشت:

«شاه بیشتر اوقات خود را با زنان زیبارو می‌گذراند. وقتی برای اقامت به ویلای اختصاصی‌اش در جزیره کیش می‌رود، برای او با هواپیما از فرانسه مواد غذایی می‌آورند، درحالی‌که بسیاری از روستاییان ایران، با متوسط ۵ گرم پروتئین در هفته به سختی زندگی می‌کنند و بعضی در مدفوع اسب به دنبال جو هضم نشده می‌گردند و یا بچه‌هایشان را به منظور صرف ناهار برای چرا، به صحرا می‌فرستند» (خاطرات من و فرح، ۱۳۸۴ ج ۲، ص ۸۵۴). فریدون هویدا - سفیر شاه در سازمان ملل و برادر امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر شاه - در کتاب «سقوط شاه» می‌نویسد: «در سراسر تهران، فقر و بدبختی و مرض بیداد می‌کرد. خیابان‌ها چنان مملو از گدا بود که هر موقع پیاده راه می‌رفتیم، حداقل ده نفر از آنها به دنبالمان روانه می‌شدند و مرتب التماس می‌کردند تا پولی بگیرند» (فریدون هویدا، ۱۳۶۵، ص ۶۷).

در کتاب *خاطرات من و فرح* در مورد فساد شاه آمده است:

«شاه هر وقت از زن شوهرداری خوشش می‌آمد، در حضور شوهرش از زیبایی زن تعریف می‌کرد و شوهر هم که معمولاً از رجال سیاسی بود، وظیفه خود را می‌فهمید و در میانه مجلس خانم را تنها می‌گذاشت و میهمانی را ترک می‌کرد و الا فردا صبح پست و مقام خود را از دست می‌داد» (ص ۸۸۴). روزنامه «فاینشال تایمز» در گزارشی با بررسی دارایی‌های دیکتاتورهای سراسر جهان، می‌نویسد محمدرضا شاه پهلوی ۳۵ میلیارد دلار از ایران خارج کرده است که ۲۰ میلیارد دلار آن از سوی دولت آمریکا مسدود شده است. و این غیر از ۳۸۴ چمدان پر از طلا و جواهرات است که هنگام فرار در ۲۶ دی‌ماه به دستور فرح بسته شد و با خود بردند. که تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس، و از نظر قیمت غیرقابل تخمین، جزو آنها بود. (به گزارش خبرنگار حوزه اخبار داغ گروه فضای مجازی باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۷). فریدون هویدا درباره غارت بیت‌المال در زمان محمدرضا می‌نویسد:

فسادی که درون دربار شاه وجود داشت حقیقتاً ابعاد وحشتناکی به خود گرفته بود. برادران و خواهران شاه به‌خاطر واسطه‌گری برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت‌هایی

ب) تمام کارگزاران حکومت - از طریق انتخابات - به وسیله مردم - به طور مستقیم یا غیرمستقیم - انتخاب می‌شوند. (رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و شوراها و مجلس خبرگان به طور مستقیم و سائر مسئولین حتی رهبر جامعه به طور غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند).

شرایط ولی فقیه

برای ولی فقیه که قرار است حاکم در زمان غیبت باشد، شروطی بیان شده که عبارت‌اند از:

علم به آموزه‌ها و احکام الهی (فقاہت)؛

برخورداری از کفایت، کاردانی و تدبیر؛

برخورداری از صلاحیت اخلاقی، تقوا و عدالت.

خوانندگان محترم در مورد چرایی و توضیح این شروط و ادله ولایت فقیه می‌توانند به کتب مربوطه رجوع کنند. (عبدالله جوادی، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، تنظیم و ویرایش محمد محرابی؛ محمدتقی مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت، تحقیق و نگارش: قاسم شبان‌نیا). فقط در مورد عدالت، این نکته تذکر داده می‌شود که منظور از عدالت، عدم گناه کبیره و اصرار نکردن بر گناه صغیره می‌باشد؛ یعنی ولی فقیه با انجام یک کبیره از ولایت ساقط می‌باشد. لذا مجلس خبرگان بر اعمال و رفتار ولی فقیه نظارت دارند؛ بنابراین ولی فقیه نه تنها دیکتاتور نیست، بلکه جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد. (در انتخابات ۸۸ وقتی کاندیداهای مغلوب، نتیجه انتخابات را نپذیرفتند و خواستند خلاف قانون عمل کنند، این ولی فقیه بود که تمام‌قد جلوی آنها ایستاد و بیان نمود ذره‌ای از اجرای قانون کوتاه نمی‌آید و جامعه را از هلاکتی حتمی نجات داد). دیکتاتور کسی است که بر اساس منافع خود و هوی و هوس دستور می‌دهد، اما ولی فقیه بر اساس حکم خدا و مصلحت مسلمین فرمان می‌دهد.

بنابر آنچه گذشت، فهمیده می‌شود، بهترین حکومت در زمان غیبت، جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام مزایای حکومت پادشاهی را - در صورتی که پادشاه فردی عادل و صالح و دلسوز مردم باشد - دارد، اما معایب آن را ندارد؛ به‌خاطر اینکه ولی فقیه انسانی متقی، عالم و دلسوز مردم است و دائم از طرف مجلس خبرگان بر رفتار و شرایط او نظارت می‌شود. و به محض از دست دادن یکی از شروط از ولایت ساقط می‌شود.

- کاملاً اطاعت کنند. لذا زمانی که امیرالمؤمنین^ع به حکومت رسید به علت اینکه مردم مطیع ایشان نبودند، حضرت به اهداف خود نرسید. چنانچه در نهج البلاغه به ۲۰ بدعتی که خلفا به‌وجود آوردند و امام نتوانست آنها را از بین ببرد، اشاره می‌کند. مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌شود: در حکومت امیرالمؤمنین^ع مردم در جریان نماز تراویح حاضر نشدند سنت عمر را کنار بگذارند و از دستور امام علی^ع سرپیچی کردند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۵۸-۶۳)؛ همچنین ماجرای حکمیت به اصرار خواجه بر امیرالمؤمنین^ع تحمیل شد (این ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۶). اگر خواص به وظیفه خود در بصیرت‌افزایی عمل کرده بودند و مردم نیز از امام علی^ع اطاعت می‌کردند، با شکست معاویه که حتمی بود سیر تاریخ عوض می‌شد. امام حسن^ع نیز که چند صباحی حکومت اسلامی را به‌دست گرفت به‌خاطر خیانت خواص و عدم همراهی مردم، مجبور به واگذاری حکومت (صلح) به معاویه شد. بنابراین اگر حاکم علی^ع باشد، اما خواص و مردم به وظیفه خود عمل نکنند، حکومت اسلامی به اهداف خود نمی‌رسد. در کشور ما هم متأسفانه مشابه ماجرای حکمیت به‌وقوع پیوست و آن زمانی بود که در فتنه ۸۸ عده‌ای از خواص به وظیفه خود - در بصیرت‌افزایی مردم و اطاعت از رهبری - عمل نکردند که نتیجه آن افزایش تحریم‌ها، خسارت‌های فراوان، تعطیلی بسیاری از مراکز هسته‌ای و کارخانه‌ها، خانه‌نشینی دانشمندان هسته‌ای، تورم‌های بی‌سابقه و در نهایت مشکلات فراوان معیشتی برای مردم و نارضایتی آنان شد و متأسفانه عده‌ای بی‌بصیرت مسئول تمام مشکلات را ساختار حکومت و رهبر جامعه دانستند.

حکومت جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی دو ویژگی منحصر به فرد دارد:

الف) حاکم در جمهوری اسلامی نایب عام امام معصوم می‌باشد. همان‌طور که گذشت بهترین نوع حکومت، حکومتی است که در آن امام معصوم، حاکم بر مردم باشد تا سعادت مردم در دنیا و آخرت تأمین شود. حال در زمان غیبت که امام معصوم وجود ندارد، عقل حکم می‌کند، بهترین حکومت، حکومتی است که حاکم آن در سه شرط لازم برای اداره حکومت اسلامی، یعنی «علم به قوانین الهی»، «عدالت و تقوا» و «کفایت و تدبیر»، سرآمد دیگران و نزدیک‌ترین فرد به معصوم باشد، که به آن «ولی فقیه» گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰-۱۹۵)؛

می ماند و جامعه در معرض سقوط قرار خواهد گرفت. اگر رهبری بخواهد در هر مسئله‌ای دخالت کند، علاوه بر اینکه متهم به دیکتاتوری می‌شود، این کار موجب می‌شود که دستگاه‌های مربوطه به امید دخالت ورود رهبری، در وظیفه خود کوتاهی کنند. و مردم نیز به امید ورود رهبری، در انتخاب‌های خود دقت لازم را نداشته باشند و مسئولین نالایق سرکار بیایند.

انتظار داشتن همه کارها از رهبر جامعه مثل انتظاری است که بنی‌اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام داشتند. حضرت موسی به بنی‌اسرائیل دستور داد: *يا قَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ (مائده: ۲۱)*: «ای قوم (با دشمنان بجنگید) و وارد سرزمین مقدس شوید». آنها گفتند: *فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبِّكَ فَقاتِلَا اِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائده: ۲۴)*: «تو و خدایت بروید با آنها بجنگید ما اینجا نشستیم». جامعه موقعی اصلاح خواهد شد و زمینه‌سازی برای ظهور زمانی فراهم می‌شود که هر کسی وظیفه خود را انجام دهد.

همچنین ورود رهبری در هر کاری باعث می‌شود که مردم هرگز به بصیرت نرسند و در انتخاب‌های خود دقت نکنند به امید اینکه اگر اشتباه کردند خود رهبری او را کنار می‌گذارد. *امام خمینی علیه السلام* - پس از اینکه خیانت‌های بنی‌صدر مشخص شد و مجلس رأی به بی‌کفایتی او داد - فرمود: «من از اول هم با بنی‌صدر مخالف بودم»، اما چرا همان اول این مخالفت خود را بیان نکرد و حتی حکم او را تنفیذ کرد؟ برای اینکه بصیرت مردم افزایش پیدا کند و بدانند در انتخاب خود باید دقت کنند و به امید دخالت ورود امام علیه السلام در هر مسئله‌ای نباشند. و همین باعث شد که دفعه بعد به شهید رجایی رأی دهند. لذا حضرت امام علیه السلام پس از آنکه مجلس رأی به بی‌کفایتی او داد، او را عزل نمودند. کشور قانون دارد و هر کاری باید بر اساس قانون پیش برود.

مقام رهبری در حکومت اسلامی مثل راننده می‌باشد که وظیفه او هدایت کلی جامعه به سمت اهداف والای اسلامی و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام می‌باشد. حال اگر دولت و مجلس که مسئولیت اصلاح معیشت مردم را دارند در وظایف خود کوتاهی کردند و معیشت مردم دچار مشکل شد، گرانی‌های کمرشکن به‌وجود آمد، جوانان بیکار ماندند و برخی به مواد مخدر روی آوردند و مشکلات دیگری به‌وجود آمد. و قوه قضائیه که وظیفه برخورد با متخلفین را دارد، در وظایف خود کوتاهی کرد و در کشور اختلاس و

و همچنین جمهوری اسلامی تمام مزایای حکومت دموکراسی را دارد؛ زیرا تمام مسئولین از صدر تا ذیل، مستقیم و غیرمستقیم، توسط خود مردم انتخاب می‌شوند و هیچ‌یک از معایب آن را نخواهد داشت در صورتی که مردم و مخصوصاً خواص جامعه از ولی فقیه اطاعت محض داشته باشند.

آسیب‌شناسی جمهوری اسلامی ایران

حال ممکن است پرسیده شود: اگر جمهوری اسلامی، بهترین نوع حکومت است؛ چرا مردم دارای مشکلات زیادی هستند؟ چرا این همه جوان بیکار و برخی معتاد وجود دارد؟ چرا فساد روز به روز بیشتر می‌شود؟ چرا این قدر اختلاس و دزدی در کشور اسلامی وجود دارد؟ چرا رهبر جامعه کاری نمی‌کند؟ چرا جلوی فساد را نمی‌گیرد؟ چرا مسئولین فاسد را برکنار نمی‌کند؟

و...

جواب: چنانچه بیان شد حکومت اسلامی زمانی به اهداف خود می‌رسد که مردم و خواص از رهبر جامعه کاملاً تبعیت کنند. در جمهوری اسلامی نیز زمانی مردم به سعادت دنیا و آخرت می‌رسند که مردم و خواص از ولی فقیه اطاعت مطلق داشته باشند. اگر مردم در زمان انتخابات طبق ملاک‌های رهبری که قبل از هر انتخاباتی توسط ایشان بیان می‌شود، کاندیداها را انتخاب کنند، کاندیداهایی متعهد و متخصص و دلسوز روی کار خواهند آمد. که دغدغه آنان حل مشکلات مردم و منافع ملی خواهد بود، نه منافع شخصی و حزبی خود.

در قانون اساسی وظیفه هر مسئول و نهادی مشخص شده، وظیفه رهبری بیان سیاست‌های کلان جامعه و هدایت جامعه به سمت اهداف والای اسلامی می‌باشد.

وظیفه مبارزه با فساد و برخورد با مسئولین فاسد بر عهده قوه قضائیه است. وظیفه اصلاح معیشت مردم بر عهده مجلس و دولت می‌باشد. بیش از نود درصد بودجه کل کشور در اختیار دولت است. و قوانین کشور را مجلس تصویب می‌کند. وظیفه مبارزه با فساد و برخورد با مسئولین فاسد بر عهده قوه قضائیه است.

در کشور صدها هزار مسئول وجود دارد، مگر رهبر جامعه فرصت می‌کند دائماً بر عملکرد آنان نظارت کند تا هر کدام خلاف کرد او را برکنار کند؟ اگر هم به فرض فرصت کند از وظیفه رهبری باز

دزدی‌های میلیاردری به وجود آمد، نباید رهبر جامعه را مسئول تمامی مشکلات دانست.

مقاله را با چند جمله از سردار دل‌ها - کسی که برای حفظ جان مردم و حفظ امنیت جمهوری اسلامی خود را فدا نمود؛ کسی که امنیت کشور، مدیون جان‌فشانی‌های شبانه‌روزی‌های او و یاران شهیدش می‌باشد - به پایان می‌بریم:

برادران! رزمنده‌ها! یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت‌بخیری نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله! والله! والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت‌بخیری این است. والله! والله! والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت‌بخیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان این انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است.

نتیجه‌گیری

برای اینکه ظهور امام زمان عجل‌الله فرجه محقق شود، لازم است یک حکومتی تشکیل شود که هم جان حضرت را حفظ کند و هم امام زمان عجل‌الله فرجه را در اهدافش (پر کردن جهان از عدل و داد)، یاری کند. در حال حاضر سه نوع حکومت وجود دارد: دموکراسی، پادشاهی و جمهوری اسلامی. دموکراسی و پادشاهی مزایا و معایبی دارند. جمهوری اسلامی مزایای آنها را دارد، اما معایب آن دو را ندارد. بنابراین جمهوری اسلامی، حکومت مطلوب در عصر غیبت می‌باشد. البته زمانی به اهداف خود می‌رسد که مردم و مسئولین از ولی فقیه تبعیت تام داشته باشند. که این حکومت می‌تواند امام زمان عجل‌الله فرجه را در اهدافش یاری کند.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- دوبنوا، آن، ۱۳۸۷، *تأمل در مبانی دموکراسی*، تهران، چشمه.
- محمدی‌نیا، اسدالله، ۱۳۸۲، *خاطراتی از خاندان پهلوی*، چ چهارم، قم، سبط اکبر.
- شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۶، *فلسفه سیاست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی مجد، غلامرضا، ۱۳۷۳، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره*

قاجاریه، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، *الغیبه*، قم، دار المعارف الإسلامیه.

علامه حلی، ۱۳۸۲، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قسم الالهیات، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق.

فریدون هویدا، ۱۳۶۵، *سقوط شاه*، ترجمه حسین ابوترابیان، بی‌جا، اطلاعات.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول الکافی*، ترجمه محمدباقر کمرهای، چ سوم، قم، اسوه.

لاک، جان، ۱۳۸۷، *رساله‌ای درباره حکومت*، با مقدمه‌هایی از کارپنتر و مکفرسون، ترجمه حمید عضدانلو، چ دوم، تهران، نی.

مجد، محمدقلی، ۱۳۸۶، *قحطی بزرگ*، ترجمه محمد کریمی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

مدنی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۸۷، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۶۲، *اثبات الوصیه*، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *پرسش و پاسخ‌ها*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴، *حکیمانه‌ترین حکومت؛ کاوشی در نظریه ولایت فقیه*، تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۷۷، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش شهید محمد شهبازی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ولی ابرقوئی، روح‌الله، ۱۴۰۰، *دکل (مستند داستانی گام دوم)*، چ هشتم، قم، شهید کاظمی.

هویدا، فریدون، ۱۳۸۸، *سقوط شاه*، چ دهم، تهران، اطلاعات.

دلدم، اسکندر، ۱۳۸۴، *خاطرات من و فرج*، چ چهارم، تهران انتشارات به آفرین مزیانی، محمدصادق، ۱۳۷۴، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، *حوزه*، ش ۷۱ و ۷۰.